

تفسیر سورہ

طلاق

سیمای سوره طلاق

سوره طلاق دوازده آیه دارد و در مدینه نازل شده است. هفت آیه نخستین این سوره، پیرامون موضوع طلاق و احکام و مسائل مربوط به آن است و به همین جهت نیز، «طلاق» نام گذاری شده است. بخش دوم سوره، عاقبت کسانی را بیان می‌دارد که از فرمان خدا سرپیچی کرده و به کیفر شدید رسیده‌اند و یا با عمل صالح و پیروی از پیامبران، مشمول هدایت‌های ویژه الهی و نعمت‌های بهشتی گردیده‌اند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا

ای پیامبر! هرگاه خواستید زنان را طلاق دهید، پس در زمان عدّه، آنان را طلاق دهید [= زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و هنوز با شوهر همبستر نشده‌اند] و حساب (ایام) عدّه را نگه دارید و از خدایی که پروردگار شماست پروا کنید. (در ایام عدّه، نه شما آنان را از خانه بیرون کنید و نه آنان بیرون روند، مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شوند) (که در این صورت اخراجشان مجاز است). این دستورات، حدود خداست و هر کس از حدود الهی تجاوز کند، به خویش ستم کرده است. تو نمی‌دانی، شاید خداوند بعد از این، امر تازه‌ای پدید آورد.

نکته‌ها:

□ «أحصوا» از «إحصاء» به معنای شمارش و اصل آن، «حصی» به معنای سنگریزه است، زیرا در قدیم با ریگ و سنگریزه، حساب را نگه می‌داشتند.^(۱)

□ مراد از «فاحشة مبینة»، زنا دادن یا آزار اهل خانه است که مجوز اخراج همسر مطلقه از خانه می‌شود.^(۲)

□ از زمانی که مرد همسرش را طلاق می‌دهد، زن باید تا سه بار عادت ماهیانه و پاک شدن از آن صبر کند و سپس اگر خواست شوهر دیگری اختیار کند. به این فاصله زمانی، «عده» می‌گویند و زن باید خود حساب آن را داشته باشد. در دوره عده، مرد وظیفه دارد نفقه همسر مطلقه را پرداخت کند و نمی‌تواند او را از بیرون خارج کند. البته در این صورت، زن نیز نمی‌تواند بدون اجازه مرد از منزل خارج شود.

□ در دوران عده، مرد حق دارد به همسر خود رجوع کند و زندگی را دوباره از سرگیرند، بدون آنکه نیاز به اجرای عقد مجدد باشد. شاید یکی از فلسفه‌های قراردادن عده و این فاصله سه ماهه برای زن، آن هم در خانه شوهر، همین امکان بازگشت باشد تا جدایی به آسانی و شتابزده محقق نشود. «لعلَّ الله يحدث بعد ذلك أمراً»

□ اسلام برای جلوگیری از طلاق بی مورد، محدودیت‌هایی را وضع کرده است. از جمله آن که رجوع به همسر بعد از سه بار طلاق، دیگر حرام ابدی می‌شود و نمی‌توانند رجوع کنند، پس از آن تنها با وجود محلّ می‌تواند دوباره او را به عقد خود درآورد. در حدیث می‌خوانیم که امام رضا علیه السلام در مورد دلیل نیاز به محلّ فرمودند: تا مردم، طلاق را سبک و ساده نپندارند: «ثلاثا یوقع الناس الاستخفاف بالطلاق»^(۳)

□ قرآن می‌فرماید: «فامساکُ بالمعروف» یا با خوبی همسران را نگاه دارید «او تسریح باحسان» یا با نیکی از هم جدا شوید و هیچ کس حق ندارد زن را با بدرفتاری نگاه دارد که در این صورت حاکم اسلامی از زن حمایت می‌کند.

۱. تفسیر روح المعانی. ۲. تفسیر نورالثقلین. ۳. عیون الاخبار، ج ۲، ص ۸۵.

نگاهی به مسئله طلاق

در اسلام، مبعوض‌ترین حلال‌ها، طلاق است.^(۱) پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: ازدواج کنید و طلاق ندهید که با طلاق، عرش خدا به لرزه در می‌آید: «تَزَوَّجُوا وَ لَا تَطْلُقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتَزُّ مِنْهُ الْعَرْشُ»^(۲) البته طلاق یک راه حلّ و گاهی ضرورت است.

در مورد چگونگی طلاق چند نظریه وجود دارد:

الف) طلاق، باید به راحتی قابل انجام و بدون هیچ قیدی باشد که این امر مورد سوء استفاده افراد هوسباز و عیاش قرار می‌گیرد، و زن را فقط برای هوس‌های زودگذر خود می‌خواهند.

ب) طلاق باید به کلی ممنوع باشد که کلیسا طرفدار این نظریه است. در حالی که ممنوعیت طلاق سبب می‌شود تا مردان و زنانی که با هم توافق ندارند، تا پایان عمر بسوزند و بسازند و یا مخفیانه همسر دیگری اختیار کنند.

د) طلاق باید به دست زن باشد. در این فرض آمار طلاق بالا می‌رود، زیرا زنان عاطفی‌تر و زود رنج‌ترند و در برخورد با مشکلات زندگی، اقدام به طلاق می‌کنند و زندگی‌های بسیاری به اندک رنجی از هم متلاشی می‌گردد.

ه) طلاق باید به دست مرد باشد، اما در چارچوب قانون و با نظارت کامل حاکم اسلامی که مسئول جلوگیری از ظلم و برقراری عدالت است. البته در مواردی که زن متقاضی طلاق است، حاکم اسلامی به تقاضای او رسیدگی کرده و در صورت لزوم، حکم به طلاق و جدایی می‌دهد. □ در اسلام، طلاق باید تابع شرایط و قوانین خاص باشد و به مسائل اخلاقی پای بند باشد. همان‌گونه که جنگ با دشمن نیز شرایط دارد و حق ندارید آب آشامیدنی را مسموم و درختان را نابود سازید و یا به کودکان و زنان و سالمندان و اسرا ظلم نمایید.

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۶۶.

۲. وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۶۸.

عوامل و زمینه‌های اختلاف و جدایی

۱. بد اخلاقی

از مهم‌ترین عوامل طلاق، بد اخلاقی زن و شوهر نسبت به یکدیگر است. در روایت می‌خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: هر کس بد اخلاق باشد، خانواده‌اش آزرده خواهند شد. «من ساء خلقه ملء اهل»^(۱)

۲. هوس رانی

اسلام، به زنان و مردان سفارش می‌کند که از چشم چرانی و نگاه به نامحرم به قصد لذت خودداری کنند و علاوه بر آن به زنان توصیه می‌کند که خود را از نامحرم‌ان بیپوشانند و در اجتماع به جلوه‌گری و دلربایی نپردازند.

امام صادق علیه السلام فرمود: چه بسا نگاهی کوتاه که حسرت و پشیمانی طولانی را به دنبال دارد. «کم من نظره اورثت حسرة طویلة»^(۲)

و در حدیث دیگری فرمودند: نسبت به زنان مردم عفاف داشته باشید تا عفت زنان شما فقط شود. «عفوا عن نساء الناس یعف عن نساءکم»^(۳)

در روایات آمده است که در زمان حضرت داود علیه السلام، مردی به زنی معرفی کرد. خداوند به آن زن الهام کرد که به مرد بگوید: هر وقت متعرض زنی شوی، مردی هم متعرض زن تو خواهد شد. هنگامی که آن مرد به خانه بازگشت، غریبه‌ای را نزد همسر خود یافت. او را دستگیر و نزد حضرت داود آورد و شکایت کرد. خداوند به حضرت داود وحی کرد که به او بگو: از هر دست بدهی، از همان دست می‌گیری.^(۴)

۳. بی توجهی زن و مرد به نیازهای یکدیگر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: در پیشگاه خداوند متعال نشستن مرد نزد همسرش، از اعتکاف در مسجد من محبوب‌تر است. «جلوس المرء عند عیاله احبُّ الی الله تعالی من

۱. میزان الحکمة، حدیث ۵۱۰۳.

۲. کافی، ج ۵، ص ۵۵۹.

۳. امالی شیخ صدوق، ص ۲۳۸.

۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۴۱.

الاعتكاف في مسجدي هذا»^(۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: سزاوار نیست که زن رسیدگی به خود نکند و از آراستگی و زیبائی که سبب شیرین شدن زندگی خانوادگی است دست بردارد. «لا ينبغي للمرأة ان تعطل نفسها»^(۲)

حسن بن جهم می‌گوید: امام کاظم علیه السلام را در حالی که موهای خود را رنگ کرده بود مشاهده کردم. امام علیه السلام که تعجب مرا دیدند فرمودند: آراستگی شوهر بر عفت زنان می‌افزاید و زنانی عفت را کنار می‌گذارند که شوهرانشان آراستگی ظاهر را ترک می‌کنند. «ان التهيئة مما يزيد في عفة النساء و لقد ترك النساء العفة لترك ازواجهن التهيئة»، سپس فرمودند: همان گونه که شما نمی‌پسندید همسرانتان را بدون آراستگی ببینید، آنان نیز همین گونه‌اند.^(۳)

راه‌های حل اختلاف پیش از طلاق

۱. دادگاه خانوادگی

اسلام سفارش نموده است که در موارد اختلاف بین زن و شوهر، افراد دلسوزی از هر دو طرف به عنوان حکم انتخاب شوند و مورد اختلاف را بررسی و آن را رفع نمایند. در این شیوه، اختلافات پیش آمده در همان مراحل اولیه حل می‌شوند و کار زوجین به طلاق و دادگاه کشیده نخواهد شد. «فان خفتم شقاق بينهما فابعثوا حكماً من اهله و حكماً من اهلها...»^(۴)

۲. حضور دو شاهد عادل

بر اساس احکام اسلام، برای انجام طلاق بایستی دو شاهد عادل حضور یابند و طلاق را گواهی نمایند که این امر، مانعی بر سر راه طلاق خواهد بود زیرا: اولاً: کراهت و قبح طلاق در جامعه سبب می‌شود که افراد معمولاً از این که شاهد و گواه بر طلاق و از هم پاشیدن خانواده‌ای باشند، خودداری کنند.

۲. مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۲۱.

۱. میزان الحکمة، حدیث ۷۸۸۴.

۳. کافی، ج ۵، ص ۵۶۷. ۴. نساء، ۳۵.

ثانیاً: افرادی که به عنوان شاهد و گواه دعوت می‌شوند، سعی در برقراری آشتی و صلح بین زوجین دارند.
۳. قرار دادن عده

عده در واقع تأخیر از زمان تصمیم تا اقدام است. اسلام به مردان دستور می‌دهد که همسران مطلقه خود را تا پایان زمان عده در خانه نگاهداری کنند و هزینه‌های آنان، اعم از خوراک و پوشاک را بر عهده گیرند. طبیعی است که معاشرت و مصاحبت مرد با همسر مطلقه در طی این مدت سبب می‌گردد که هیجان آنها فروکش نموده و با فرصت و دقت بیشتری به پیامدهای طلاق بیندیشید و چه بسا در این مدت زوجین زندگی مشترک را دوباره از سر گیرند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: زن طلاق داده شده که در خانه شوهر است، خود را آرایش کند و عطر بزند و لباس‌هایی که مرد دوست دارد بپوشد، تا با عقل و درایت بیشتری تصمیم بگیرند و دوباره به همسرش رجوع کند و زندگی را از سر بگیرند. «المطلقة تکتحل و تحتضب و تطيب و تلبس ما شانت من الثياب، لان الله عزّ و جلّ يقول لعلّ الله يحدث بعد ذلك امرأً لعلّها ان تقع في نفسه فیراجعها»^(۱)

فلسفه عده طلاق

شکی نیست که تمام احکام الهی دارای حکمت و مصلحتی است که با انجام و ترک آن عمل می‌توان به آن رسید یا از مفاسدی جلوگیری کرد، گرچه همه آن را ندانیم. از جمله دستور به عده نگه داشتن زن به هنگام طلاق است که با کمی تفکر می‌توان حکمت‌هایی برای آن بیان کرد:

۱. حفظ حریم زوجیت. اسلام ازدواج را امری مقدس می‌داند و برای آن حریم و شعاعی قائل است و نگاهداشتن عده سبب حفظ این حریم خواهد بود.
۲. نسب فرزندان. عده نگاهداشتن سبب می‌شود تا از اختلاط نطفه شوهران مختلف جلوگیری شود و نسبت فرزندان به پدر خود که سرچشمه حقوق فراوانی است، حفظ گردد.

۱. تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۵۲.

۳. مهلتی برای بازگشت دوباره به زندگی.

علاوه بر آنکه رجوع مرد به همسری که طلاق داده، مزایایی بر ازدواج مجدد دارد از جمله: الف) زندگی با همسر جدید نیاز به تجربه جدید دارد، ولی زندگی با همسر سابقش، زندگی همراه با تجربه است.

ب) رفتن به سراغ همسر جدید، هزینه‌های جدیدی را بر عهده مرد قرار می‌دهد.
ج) گاهی بازگشت به زندگی قبلی، موقعیت اجتماعی زن و مرد را در جامعه حفظ می‌کند و کدورت‌هایی را که در اثر طلاق بوجود می‌آید، برطرف می‌کند.
د) فرزندان که کانون گرم خانوادگی آن‌ها در اثر طلاق متلاشی شده بود، دوباره به آغوش خانواده باز می‌گردند و لطمه‌ی روحی که در اثر طلاق خورده‌اند، جبران می‌شود.
ه) گاهی بازگشت به زندگی، روحیه گذشت و صبر و ایثار را در زندگی شکوفا می‌کند.

پیام‌ها:

- ۱- مخاطب قراردادن پیامبر، در ابلاغ دستورات کلی که عموم مردم مخاطب آن هستند، هم نشانه احترام به آن پیامبر است و هم لزوم نظارت آن حضرت بر حسن اجرای حدود الهی. ﴿یا ایها النبی اذا طلقتم﴾
- ۲- برای بیان اهمیت دستور و ایجاد انگیزه در سایرین، شخص اول را مورد خطاب قرار دهید. ﴿یا ایها النبی اذا طلقتم﴾
- ۳- عقد ازدواج زمان خاصی ندارد ولی طلاق باید در زمانی باشد که شروع عده ممکن باشد، یعنی زن در عادت ماهانه نباشد و مرد نیز در پاکی پس از عادت، با همسرش آمیزش نکرده باشد. ﴿فطلقوهن لعدتهن﴾
- ۴- طلاق به دست مرد است. ﴿طلقتم، طلقوهن﴾
- ۵- برای حفظ نظام خانواده، قانون طلاق همراه با شرایطی سرعت گیر قرار داده شده است. ﴿طلقوهن لعدتهن﴾
- ۶- زمان بندی در احکام الهی را با دقت مراعات کنیم. ﴿احصوا العدة﴾
- ۷- جدایی و طلاق نباید همراه با گناه باشد. ﴿طلقتم... اتقوا الله﴾

- ۸- رعایت تقوا در امر طلاق و خصوصاً عده آن، از سوی مرد و زن لازم است.
﴿احصوا العدة و اتقوا الله﴾
- ۹- ربوبیت الهی، مقتضای پروا و تقواست. ﴿اتقوا الله ربکم﴾
- ۱۰- زن طلاق داده شده تا زمانی که در حال عده است، گویا در منزل خودش ساکن است و حق سکونت او سلب نمی شود. ﴿لا تخرجوهن من بیوتهن﴾
- ۱۱- طلاق نباید همراه با اهانت و تحقیر زن باشد. ﴿لا تخرجوهن من بیوتهن﴾
- ۱۲- راههای منت گذاردن و منت کشیدن را مسدود کنید. برای این که شوهر منت نگذارد و زن منت نکشد، خدا می فرماید: خانه خودش است. ﴿من بیوتهن﴾
- ۱۳- زنان، طلاق را پایان کار نبینند و در خانه بمانند، شاید که مرد منصرف شود و دوباره به آنان رجوع کند. ﴿لا یخرجن﴾
- ۱۴- خراب کردن پل های پشت سر و بستن راه های آشتی ظلم به خود است. ﴿لا تخرجوهن... لا یخرجن... فقد ظلم نفسه﴾
- ۱۵- گنهکار بی حیا که حریم ها را شکسته، حرمت ندارد و مستحق تحقیر است.
﴿لا تخرجوهن... الا ان یأتین بفاحشة مبینه﴾
- ۱۶- سوء استفاده از قانون ممنوع. (زن نمی تواند از حق مسکن خود سوء استفاده کند و برای انتقام گرفتن از شوهر، خانه را تبدیل به محیطی برای فحشا و منکر نماید). ﴿الا ان یأتین بفاحشة مبینه﴾
- ۱۷- اخراج زن از منزل، به شرطی است که فحشای او روشن و ثابت شده باشد و سوء ظن کافی نیست. ﴿الا ان یأتین بفاحشة مبینه﴾
- ۱۸- مردان نباید به خاطر تأمین نفقه و مسکن، منتی بر همسران مطلقه خود داشته باشند، زیرا این حکم خداست. ﴿تلك حدود الله﴾
- ۱۹- زنان نباید به خاطر محدود شدن در خانه نگران شوند زیرا این محدودیت را خداوند حکیم مقرر فرموده است. ﴿تلك حدود الله﴾
- ۲۰- نادیده گرفتن دستورات خداوند و شکستن حدود الهی، ظلم به خویش

است، نه خداوند. ﴿وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ﴾

۲۱- ما بر اساس اطلاعات و شناخت خود، تصمیم می‌گیریم و از آینده بی‌خبریم، با توکل بر خداوند، به آینده امیدوار باشیم. ﴿لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ...﴾
 ۲۲- در اسلام یأس ممنوع است و انسان مسلمان باید به آینده خوش بین باشد. ﴿لَعَلَّ اللَّهَ يَحْدُثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾ (هنگام طلاق که طرفین نگرانند، نیاز به دلداری و تسلی دارند).

۲۳- حوادث تلخ را به فال نیک بگیریم. ﴿طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ... لَعَلَّ اللَّهَ يَحْدُثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾
 ۲۴- تقوا و حدود الهی را مراعات کنید، آینده را هم به خدا بسپارید. ﴿اتَّقُوا اللَّهَ... تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ... لَعَلَّ اللَّهَ يَحْدُثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾

۲۵- همواره لطف الهی را منحصر در وضع موجود نبینید، چه بسا جدایی‌ها که عامل رسیدن به وضع مطلوب‌تر می‌شود. ﴿لَعَلَّ اللَّهَ يَحْدُثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾

﴿۲﴾ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِّنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوَعِّظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

پس چون به پایان مدت عدّه نزدیک شدند، یا (با رجوع به آنان) به طرز شایسته و پسندیده‌ای نگاهشان دارید و یا (با پرداخت مهریه و سایر حقوق) به طرز شایسته‌ای از آنان جدا شوید و (هنگام طلاق) دو شاهد عادل از میان خود به گواه گیرید و گواهی را برای خدا به پا دارید. هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، این گونه پند داده می‌شود و هر کس که از خدا پروا کند، خداوند برای او راه بیرون شدن و رهایی (از هر گونه مشکل) را قرار می‌دهد.

﴿۳﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا

و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد و هر کس بر خدا توکل کند، او برایش کافی است. همانا خداوند کار خود را محقق می‌سازد. همانا خداوند برای هر چیز اندازه‌ای قرار داده است.

نکته‌ها:

- مراد از رسیدن اجل ﴿بلغن اجلهن﴾، رسیدن به اواخر مدّت عده است نه پایان آن، زیرا اگر مدّت عده پایان یافت، امساک و نگهداری زن حرام است.^(۱)
- در قرآن، سی و هشت مرتبه کلمه معروف به کار رفته که پانزده مرتبه آن مربوط به خانواده و همسر داری است، یعنی شیوه برخورد زن و مرد در زندگی باید شایسته و پسندیده باشد.
- گواهی دو شاهد عادل بر طلاق، منافی دارد. از جمله: اگر مردی در ایام عده از دنیا برود، همسر مطلقه او نمی‌تواند ادعایی بر ارث داشته باشد. زن پس از پایان عده می‌تواند ازدواج کند و مهم‌تر آن که دو شاهد عادل، به خاطر عدالت و محبوبیتی که دارند، به طور طبیعی با موعظه سعی می‌کنند به جای طلاق، طرفین را به آشتی ترغیب کنند.
- پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «إِنِّي لَأَعْلَمُ آيَةَ لَوْ اخَذَ بِهَا النَّاسُ لَكَفْتَهُمْ» من آیه‌ای را می‌شناسم که اگر مردم به آن عمل کنند، تمام مشکلاتشان حل می‌شود و سپس آیه ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ را تلاوت فرمودند.^(۲)
- در روایات می‌خوانیم: هنگامی که آیه ۳ نازل شد، جمعی از یاران پیامبر، کار و تجارت را رها کردند و گفتند: خداوند روزی ما را ضمانت کرده است، پس به کار و تلاش نیازی نیست. پیامبر ﷺ آنان را احضار و توبیخ کرد و فرمود: هر کس کار و تلاش را رها کند، دعایش مستجاب نمی‌شود. «أَنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ لَا يَسْتَجَابُ لَهُ»^(۳)
- در قرآن، هم مهر الهی با جمله ﴿مَنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾^(۴) آمده است و هم قهر الهی. ﴿فَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا﴾^(۵) یعنی گاهی مهر و قهر الهی غیر منتظره و به شکلی

۱. تفسیر المیزان. ۲. تفسیر مجمع البیان. ۳. تفسیر نور الثقلین.

۴. طلاق، ۳. ۵. حشر، ۲.

که گمان نمی‌رود به انسان می‌رسد.

□ اثر تقوی فقط در آخرت نیست. امام صادق علیه السلام در مورد جمله «من حیث لا یحتسب» فرمود: این گشایش روزی، برای تقوی پیشه‌گان در دنیا است.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- زمان‌بندی احکام دینی، باید به دقت مراعات شود. (هم آغاز زمان عدّه: «فطلقوهنّ لعدتهنّ» و هم پایان آن: «إذا بلغنّ اجلهنّ» ذکر شده است.)
- ۲- کارها باید از ابتدا دارای برنامه و زمان مشخص باشند. «اجلهنّ»
- ۳- هم ادامه زندگی باید به نحو پسندیده باشد و هم جدایی و طلاق. «امسکوهنّ بمعروف او فارقوهنّ بمعروف»
- ۴- رفتار شایسته چه در حال صلح و آشتی و چه در حال قهر و جدایی، از حقوق همسر است. «امسکوهنّ بمعروف...»
- ۵ - نگاه داری همسر، مقدّم بر جدایی است. ابتدا فرمود: «امسکوهنّ» و سپس «فارقوهنّ»
- ۶- آیین همسر داری یا طلاق باید مورد پذیرش شرع و پسند عقل باشد. «بمعروف»
- ۷- به دلیل ضعف جسمی و نارسایی، آداب و رسوم اجتماعی و تاریخی، حقوق زنان بیشتر پایمال شده و می‌شود. لذا بیشترین خطاب‌های قرآن در مورد مراعات حقوق به مردان است. «امسکوهنّ بمعروف، فارقوهنّ بمعروف»
- ۸ - جدایی و طلاق، همراه با کرامت و به دور از هر گونه تحقیر صورت گیرد. «فارقوهنّ بمعروف»
- ۹- شرط صحت طلاق، حضور دو شاهد عادل است. «و اشهدوا ذوی عدل منکم»
- ۱۰- برای حفظ حقوق طرفین، گرفتن دو شاهد عادل، نشانه محکم کاری و دقّت

۱. تفسیر نور الثقلین.

است. ﴿و اشهدوا ذوی عدل منکم﴾

۱۱- کسانی که در محضر آنان طلاق جاری می شود، باید عادل باشند. ﴿ذوی عدل منکم﴾ یعنی عدالت سرمایه آنان باشد.

۱۲- افراد عادل نیز به تذکر نیازمندند. ﴿اشهدوا ذوی عدل منکم و اقيموا الشهادة لله﴾

۱۳- حبّ و بغض ها نباید در قضاوت ما تأثیرگذار باشد. ﴿اقيموا الشهادة لله﴾

(مشابه این جمله، در آیه ۱۳۵ نساء آمده است که می فرماید: ﴿کونوا قوامین بالقسط شهداء لله و لو علی انفسکم او الوالدین والاقربین﴾)

۱۴- گواهی دو شاهد عادل باید همراه با حفظ حقوق مردم و اخلاص باشد.

﴿اقيموا الشهادة لله﴾ (در کلمه ﴿اقيموا﴾ برپاداشتن حقوق مردم و در کلمه ﴿لله﴾

اخلاص در عمل نهفته است).

۱۵- اقامه حقوق مردم، ارزشی هم وزن اقامه نماز و دین دارد. (در قرآن کلمه

﴿اقيموا﴾ درباره نماز، دین، شهادت و وزن مطرح شده است. ﴿اقيموا

الدین﴾^(۱)، ﴿اقيموا الصلوة﴾^(۲)، ﴿اقيموا الوزن﴾^(۳) و ﴿اقيموا الشهادة﴾^(۴)

۱۶- موعظه تنها تذکرات اخلاقی نیست، بلکه دستورات فقهی نیز نوعی موعظه

است. ﴿امسکوهن... فارقوهن... اشهدوا... ذلکم یوعظ به﴾

۱۷- پند پذیری، نشانه ایمان واقعی است. ﴿یوعظ به من کان یؤمن﴾

۱۸- به جای پیمودن راه های ناشناخته سیر و سلوک، عمل به احکام الهی بهترین

موعظه و راه سازندگی انسان است. ﴿یوعظ به من کان یؤمن﴾

۱۹- حل مشکلات از طریق گناه، رفتن به بیراهه است. تقوی و خدا ترسی

موجب خروج انسان از مشکلات و تنگناهای زندگی است. ﴿و من یتق الله

یجعل له مخرجاً﴾

۲۰- راه رهایی از تمام بن بست ها، (که از جمله آن اختلافات زن و شوهر است،

۱. شوری، ۱۳.

۲. بقره، ۴۳.

۳. الرّحمن، ۹.

۴. طلاق، ۲.

تقوی است. ﴿و من یتق الله يجعل له مخرجاً﴾

۲۱- در مدیریت بحران‌ها و فتنه‌ها، دو چیز راه نجات است:

الف) تقوی. ﴿و من یتق الله يجعل له مخرجاً﴾

ب) تمسک به قرآن. «اذا التبست علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن»^(۱)

۲۲- زن و شوهری که به ناچار با طلاق از هم جدا می‌شوند، اگر تقوا را مراعات

کنند، مشمول لطف ویژه خداوند می‌شوند. ﴿یرزقه من حیث لا یحتسب﴾

۲۳- کسانی که با گناه زندگی خود را تأمین می‌کنند، راه دریافت روزی‌های پیش

بینی نشده را به روی خود می‌بندند. ﴿و من یتق الله... یرزقه من حیث لا یحتسب﴾

۲۴- اراده خدا در چارچوب محاسبات انسان نیست. ﴿یرزقه من حیث لا یحتسب﴾

۲۵- رعایت امور معنوی، در زندگی مادی اثر گذار است. (امدادهای غیبی، در

زندگی انسان نقش مؤثری دارند). ﴿من حیث لا یحتسب﴾

۲۶- انسان متقی، خواست خود را در مسیر خواست و اراده خدا قرار می‌دهد و

چون اراده الهی بن بست ندارد، انسان متقی نیز به بن بست نخواهد رسید. ﴿و

من یتق الله يجعل له مخرجاً﴾

۲۷- همیشه رزق زیاد وابسته به کار زیاد نیست. ﴿و من یتق الله... یرزقه﴾ (همان

گونه که همیشه مقدار و کمیت آن مهم نیست. امام صادق علیه السلام در تفسیر ﴿یرزقه

من حیث لا یحتسب﴾ فرمود: خداوند در آنچه به او داده برکت می‌دهد.^(۲)

۲۸- تقوی و توکل دو اهرم برای خروج از بن بست است. ﴿و من یتق الله... و من

یتوکل علی الله...﴾

۲۹- برای تأمین زندگی امروز، تقوا ﴿و من یتق الله... یرزقه﴾ و برای آینده، توکل

لازم است. ﴿و من یتوکل علی الله فهو حسبه﴾

۳۰- تقوی، مقدم بر توکل است. ﴿و من یتق الله... و من یتوکل علی الله﴾

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۹۸. ۲. تفسیر نور الثقلین.

۳۱- بدون لطف خداوند، هیچ عامل دیگری کارآمد و کافی نیست. ﴿فهو حسبه﴾
 ۳۲- در اراده و خواست تمام افراد و حکومت‌ها، احتمال شکست و ناکارآمدی و بن بست وجود دارد. تنها امری که شکست در آن راه ندارد، خواست و اراده خداوند است. ﴿ان الله بالغ امره﴾

۳۳- دلیل توکل ما، قدرت بی نهایت الهی است. ﴿و من يتوكل ... ان الله بالغ امره﴾
 ۳۴- معنای توکل ما و قدرت خداوند آن نیست که انسان به همه خواسته‌های خود می‌رسد، زیرا تمام امور هستی قانونمند است و حساب و کتاب دارد. ﴿و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدراً﴾

﴿٤﴾ وَالْأُنثَىٰ يَبْسُفُ مِنَ الْمَحِيضِ مَن نِّسَاءِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَالْأُنثَىٰ لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَن يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا

و زنانی که از عادت ماهانه مأیوسند، (و قصد دارید آنان را طلاق دهید)، اگر در وضع آنان شک کنید (که این عدم عادت به خاطر سنّ است یا بیماری و یا بارداری)، پس عدّه آنان سه ماه است و هم چنین است حکم زنانی که حیض ندیده‌اند (با آن که در سنّ حیض هستند) و پایان عدّه زنان باردار، وضع حمل آنان است و هر کس از خدا پروا کند، خداوند برای او در کارش آسانی پدید می‌آورد.

نکته‌ها:

- به دنبال بیان احکام طلاق در آیات پیشین، این آیه می‌فرماید: زنانی که به هر دلیل، اعم از کهولت سنّ یا بیماری، عادت ماهانه ندارند، باید سه ماه کامل عدّه نگهدارند و زنان باردار باید تا زمان وضع حمل صبر کنند و سپس می‌توانند ازدواج کرده و به همسر دیگری درآیند.
- در قرآن برای افراد با تقوی چند تعبیر آمده است: ﴿يجعل لكم نوراً﴾^(۱)، ﴿يجعل لكم

فرقانا^(۱)، ﴿يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾^(۲)، ﴿يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا﴾^(۳) که شاید اشاره به یک سیر طبیعی دارد، زیرا برای انسان با تقوا اول نور پیدا می‌شود و در سایه نور، شناخت حق از باطل و فرقان پیدا می‌کند و وقتی که حق و باطل را شناخت، راه خروج از مشکلات را پیدا می‌کند و در سایه همان نور، از بسیاری از گرفتاری‌ها به آسانی خارج می‌شود.

پیام‌ها:

- ۱- احکام خداوند بر اساس شرایط متفاوت انسان‌ها، تفاوت می‌کنند. (برای هر یک از زنان حامله و یائسه، حکم خاصی قرار داده شده است). ﴿يُسِّنْ، لَمْ يَحْضَنْ، أُولَاتِ الْأَحْمَالِ﴾
- ۲- دین فطری، ملاک‌های فطری و طبیعی و همه جایی دارد. زمان بندی‌ها و اندازه‌گیری‌های احکام الهی بر محور مسائل طبیعی است. نظیر: طلوع و غروب خورشید، رؤیت ماه، مقدار وَجَب و ذراع دست. ﴿ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ﴾
- ۳- فرزند، حریم و حقوقی دارد و زن باردار نمی‌تواند به ازدواج دیگری درآید. ﴿أُولَاتِ الْأَحْمَالِ أَجْلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ﴾
- ۴- در مسایل خانوادگی و مراعات حقوق همسر به خصوص در شرایط طلاق و جدایی، به تقوای زیاد نیاز است. (از ابتدای این سوره تاکنون چند بار سخن از تقوی به میان آمده است). ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ﴾
- ۵- بخشی از گره‌هایی که در زندگی پیدا می‌شود، به خاطر بی تقوایی است. ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا﴾ (البته بخشی از مشکلات افراد باتقوا به خاطر ابتلا و آزمایش است).
- ۶- برای افراد باتقوا، تحمل سختی‌ها آسان است. چون تقوا ظرفیت انسان را بالا می‌برد. ﴿يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا﴾ (﴿مِنْ أَمْرِهِ﴾ یعنی: «از ناحیه کارهای او»)

۱. انفال، ۲۹.

۲. طلاق، ۲.

۳. طلاق، ۴.

﴿۵﴾ ذَٰلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ
لَهُ أَجْرًا

این فرمان خداوند است که آن را به سوی شما نازل کرده است و هر کس از خدا
پروا کند خداوند بدی‌هایش را می‌زداید و اجرش را بزرگ می‌گرداند.

پیام‌ها:

- ۱- در مسائل خانوادگی، دستورات الهی را ساده نگیریم. ﴿ذَٰلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ﴾
- ۲- تقوی، سبب نجات از قهر الهی است. ﴿مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ﴾
- ۳- گناهکاران می‌توانند به وسیله تقوی، گذشته را جبران کنند. ﴿يَكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ﴾
- ۴- گناهکاران را بدعاقبت نپندارید، چه بسا گناهانشان پاک شود. ﴿يَكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ﴾
- ۵- مقدمه دریافت اجر، پاک شدن از گناه است. ﴿يَكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا﴾
- ۶- تقوی، هم گذشته‌ها را جبران می‌کند، ﴿يَكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ﴾ هم آینده را تأمین می‌نماید. ﴿يُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا﴾

﴿۶﴾ أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِيُتْصَيَّقُوا
عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ
فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأُتْمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَ
إِنْ تَعَاسَرْتُمْ فَسْتَزْضِعْ لَهُ أُخْرَى

(تا پایان زمان عدّه،) زنان را در همانجا که خود سکونت دارید و در توانایی
شماست، سکونت دهید و به آنان (از جهت مسکن و نفقه) آسیب نرسانید، تا کار
بر آنان تنگ ننماید (و مجبور به ترک منزل شوند) و اگر باردار باشند، تا زمانی
که وضع حمل کنند نفقه آنان را بدهید. پس اگر نوزادان شما را شیر دادند مزدشان
را بدهید و (درباره نوزاد) میان خود به نیکی مشورت و توافق کنید و اگر توافق به
دشواری کشید، زن دیگری او را شیر دهد (و مرد برای نوزاد دایه بگیرد).

نکته‌ها:

- کلمه «أَمَرُوا» از «اینها» به معنای پذیرش دستور یا مشورت است که در واقع به معنای توافق و تفاهم بر انجام امری است.
- شاید دلیل آن که در ایام عده مسکن زن و مرد یکی است، بستر سازی برای رجوع و فراهم شدن زمینه آشتی باشد. به علاوه که اخراج زن از خانه یا تهیه مسکن جداگانه نوعی توهین و تحقیر در حق زن است و نیز در جدایی تدریجی، پای عقل و عاطفه و فکر و مشورت بیشتر از جدایی دفعی و یکباره به میان می‌آید و امکان سازش فراهم می‌شود.
- این آیه به مسئله حفظ حقوق و حریم زن، حمل او، تغذیه کودک، شیرپها و دایه گرفتن در صورت طلاق اشاره دارد.
- در این آیه پنج فرمان آمده است که تمام آنها فرامین عاطفی و عقلی بوده و بستری برای بازگشت به زندگی است: «اسکنوهنّ، لا تضاروهنّ، فانفقوا علیهنّ، فاتوهنّ اجورهنّ، ائتمروا بینکم بالمعروف»

پیام‌ها:

- ۱- تأمین مسکن زن حتی بعد از طلاق تا مدت‌ها بر عهده مرد است. «اسکنوهنّ»
- ۲- مسکن زن مطلقه باید در همان مکانی باشد که مرد در آن سکونت دارد. (جدایی و طلاق نباید سبب جدایی مسکن شود). «من حیث سکنتم»
- ۳- مرد، حق ندارد برای صرفه جویی، انتقام و تحقیر، جای نامناسبی را برای سکونت زن انتخاب کند و همسر مطلقه را مجبور به سکونت در آن محل کند. «من حیث سکنتم»
- ۴- در انتخاب مسکن، باید به سکینه و آرامش زن توجه شود، نه آنکه فقط سرپناه داشته باشد. «اسکنوهنّ من حیث سکنتم» (تعبیر به مسکن که از سکینه است به جای بیت، دلالت بر همین معنا دارد).
- ۵- ملاک در انتخاب مسکن از نظر کمیّت و کیفیّت، مقدار توانایی مرد است، نه میزان توقّع و تقاضای زن. «من وجدکم»

- ٦- مرد حق ندارد به همسری که طلاق داده هیچ ضرری برساند. ﴿لَا تَضَارُوهُنَّ﴾
- ٧- مرد حق ندارد برای همسری که طلاق داده هیچ گونه تنگنایی قرار دهد. ﴿لَتَضِيقُوهُنَّ﴾
- ٨- تأمین هزینه زنان باردار حتی در حال طلاق واجب است. ﴿فَانْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ﴾
- ٩- زن مطلقه می تواند در برابر شیر دادن به طفل خود، از شوهر درخواست مزد نماید. ﴿فَاتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ﴾
- ١٠- شیر مادر حتی در صورتی که از شوهر مزد دریافت کند، بهتر از شیر دایه است. ﴿فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ﴾ ضمناً زنان مطلقه در شیر دادن مختارند. ﴿فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ﴾
- ١١- مشورت زن و مرد به قدری ارزش دارد که حتی در شرایط جدایی، اسلام به آن سفارش کرده است. ﴿وَاتَّمَرُوا بَيْنَكُمْ﴾
- ١٢- در همه مسایل خانوادگی، ملاک پذیرش عرف و عقل است. ﴿فَاصْكُوهُنَّ مَعْرُوفٍ، فَارْقُوهُنَّ مَعْرُوفٍ، وَاتَّمَرُوا بَيْنَكُمْ بِالْمَعْرُوفِ﴾
- ١٣- گرچه مشورت لازم است، گرچه همیشه و همه جا نتیجه نمی دهد. ﴿وَإِنْ تَعَاوَرْتُمْ﴾
- ١٤- اگر زن و مرد به توافق نرسیدند، نباید حقوق طفل معطل بماند. ﴿فَسْتَزِعْ لَهُ أُخْرَى﴾
- ١٥- شیر مادر برای طفل اولویت دارد و انصراف از آن در صورتی است که انسان در تنگنا قرار گیرد. ﴿وَإِنْ تَعَاوَرْتُمْ فَسْتَزِعْ لَهُ أُخْرَى﴾
- ١٦- زن حق ندارد اجرت شیر دادن را به قدری بالا ببرد که مرد در تنگنا قرار گیرد و اگر چنین کند، مرد آزاد است که دایه بگیرد. ﴿وَإِنْ تَعَاوَرْتُمْ فَسْتَزِعْ لَهُ أُخْرَى﴾
- ١٧- در تصمیم گیری های خانوادگی باید حقوق نوزاد و کودک حفظ شود: الف) تا مادامی که کودک در شکم است، پدر هزینه او را بدهد.

- ب) بعد از تولد مادر به او شیر بدهد.
ج) پدر هزینه شیر بها را به مادر بپردازد.

﴿۷﴾ لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

هر کس که دارای وسعت (مالی) است، باید طبق وسعت خود نفقه دهد و کسی که روزی بر او تنگ شده، باید از آنچه خداوند به او داده (به اندازه توان خود) انفاق کند. زیرا خداوند هیچ کس را مگر به اندازه آنچه به او داده است، تکلیف نمی‌کند. به زودی خداوند پس از سختی، آسانی و فراخی پدید می‌آورد.

نکته‌ها:

- فرمان این آیه که هر کسی به قدر توان خود به همسرش انفاق کند، هم شامل ایّام عده می‌شود، هم شامل ایّام شیر دادن همسر طلاق داده شده و هم شامل هر زمان دیگر.
- در قرآن، دوازده بار کلمه «عُسْر» و سی و شش بار کلمه «یُسْر» آمده است، گویا با هر سختی سه آسانی است. ﴿سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾

پیام‌ها:

- ۱- ملاک در میزان هزینه زندگی، توان مالی مرد است، نه تنگ نظری‌های مرد و یا خواسته‌ها یا آرزوهای زن. ﴿ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ﴾
- ۲- از ترس آینده، امروز را سخت نگیرید. (هر که دارد خرج کند) ﴿ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ﴾
- ۳- حتّی در شرایط طلاق، جوانمردی را از دست ندهید. ﴿ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ﴾
- ۴- شرط نفقه، دوست داشتن همسر نیست، زن طلاق داده شده نیز تا مدّتی واجب النفقه است. ﴿ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ﴾
- ۵ - انفاق کننده، مال و دارایی خود را از خدا بداند. ﴿مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ﴾

- ۶- هر کس به هر اندازه توان انفاق دارد، انفاق کند. آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید. ﴿مَنْ قَدَرَ... فَلْيَنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ﴾
- ۷- فقرا در مقایسه وضع خود با اغنیا، نعمت‌هایی را که خداوند به آنها داده است از یاد نبرند. ﴿قَدَرُ عَلَيْهِ... آتَاهُ اللَّهُ﴾
- ۸- تکلیف، به مقدار توان است. ﴿لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا﴾ اسلام، دینی واقع گراست و تکلیف فوق طاقت ندارد.
- ۹- در دست‌یابی به گشایش، عجله نکنید. ﴿سَيَجْعَلُ اللَّهُ﴾
- ۱۰- در شرایط تلخ طلاق و جدایی یا فقر و تنگدستی، امید به آینده را از دست ندهید. ﴿سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾

﴿۸﴾ وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكَرًا

و چه بسیار مناطق مسکونی که از فرمان پروردگار خود و فرستادگانش سر باز زدند، پس ما سخت به حساب آنان رسیدیم و به عذابی ناشناخته عذابشان کردیم.

﴿۹﴾ فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا

پس آنان ثمره تلخ کار خود را چشیدند و سرانجام کارشان خسارت بود.

نکته‌ها:

□ «قریه» به معنای محل اجتماع مردم برای سکونت است، خواه شهر باشد یا روستا. «عتت» از «عُتُو» به معنای سرپیچی است. «وبال» به معنای شدت و سنگینی است و مراد عذاب سخت است.

□ در آیات قبل دستوراتی پیرامون حقوق همسر و فرزند حتی در ایام جدایی مطرح شد، این آیه می‌فرماید: عمل به دستورات را جدی بگیرید که تخلف از فرمان خدا و رسول کیفری سخت در پی دارد و نمونه‌های بسیاری از این کیفر را می‌توان در طول تاریخ مشاهده نمود.

پیام‌ها:

- ۱- تاریخ و گذشتگان، آئینه‌ای برای آیندگان است. ﴿وَكَايْنٍ مِنْ قَرْيَةٍ...﴾
- ۲- سنت خداوند بر کیفر سخت کسانی است که از فرمان خدا و رسول سرپیچی می‌کنند. ﴿وَكَايْنٍ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ...﴾
- ۳- تخلف از فرمان انبیا، تخلف از فرمان خداست. ﴿عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرَسُولِهِ﴾
- ۴- عذاب دنیا، هرچه هم شدید باشد، به اندازه چشیدنی بیش نیست. عذاب مهم در قیامت است. ﴿عَذَابُهَا... فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا﴾
- ۵- سرانجام سرپیچی از فرمان خدا و رسول، خسارت است. ﴿عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا﴾
- ۶- به کامیابی‌های زودگذر نیندیشیم، پایان کار را در نظر بگیریم. ﴿عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا﴾

﴿۱۰﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ءَامَنُوا
قَدْ أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا

خداوند برای آنان عذابی سخت مهیا کرده است، پس ای خردمندان که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید. همانا خداوند وسیله تذکر برای شما فرستاده است.

پیام‌ها:

- ۱- حساب شدید خداوند، عذاب شدید را به دنبال دارد. ﴿حَسَابًا شَدِيدًا... عَذَابًا شَدِيدًا﴾
- ۲- آنچه انسان را از حساب و عذاب شدید محافظت می‌کند، تقوی است. ﴿أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ﴾
- ۳- عقل و ایمان سبب تقوی است. ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾
- ۴- عقل و ایمان از یکدیگر جدا نیست. ﴿أُولِيَ الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾
- ۵- برای تشویق مردم به انجام تکلیف الهی، از کمالات آن‌ها نام ببرید. ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾

- ۶- تنها خردمندان مؤمن از فرستاده خداوند استقبال کرده و از تذکرات او بهره‌مند می‌شوند. ﴿یا اولی الالباب الذین آمنوا قد انزل الله الیکم ذکراً﴾
- ۷- هدف از بعثت انبیا و کتاب‌های آسمانی، تذکر و بیداری مردم است. ﴿قد انزل الله الیکم ذکراً﴾
- ۸- عقل از درون و وحی از بیرون، وسیله‌های نجات بشرند. ﴿اولی الالباب... انزل الله الیکم ذکراً﴾

﴿۱۱﴾ رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا

(آن وسیله تذکر، پیامبری است که آیات روشنگر الهی را بر شما تلاوت می‌کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورد و کسانی که به خدا ایمان آورده و عمل شایسته انجام دهند، خداوند آنان را به باغ‌هایی که نهرها از زیر آن‌ها جاری است وارد می‌کند و برای همیشه در آنجا جاودانه هستند. حقاً که خداوند روزی آنان را نیکو ساخته است.

نکته‌ها:

- ▣ هدایت به چند عنصر وابسته است:
- الف) هدایت کننده، ﴿رَسُولاً﴾
- ب) هدایت شونده، ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾
- ج) وسیله هدایت، ﴿آيَاتِ بَيِّنَاتٍ﴾
- د) هدف از هدایت، ﴿يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾
- ه) پاداش پذیرش هدایت، ﴿يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ...﴾

□ کلمه «ذکر» هم برای قرآن به کار رفته است، «نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ»^(۱) و هم برای پیامبر. «ذَكَرًا رَسُولًا...»، امام باقر و امام صادق علیه السلام فرمودند: مراد از ذکر در آیه قبل، رسول الله است.^(۲)

□ عایشه همسر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در بیان اوصاف پیامبر می‌گوید: «كان خلقه قرآن»^(۳) یعنی خلق و خوی پیامبر یک پارچه قرآن بود.

پیام‌ها:

- ۱- انسان می‌تواند به جایی برسد که وجودش سرایا ذکر خدا باشد. «ذَكَرًا رَسُولًا»
- ۲- مکتب به تنهایی کافی نیست، وجود رهبر لازم است. «رَسُولًا يَتْلُوا»
- ۳- برای نجات و خروج مردم از ظلمات به نور، بهترین راه، بیان و رساندن آیات الهی است. «يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ... لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا...»
- ۴- دعوت باید روشن و شفاف باشد. «آيَاتِ اللَّهِ مَبِينَاتٌ» (واژه «مبین» بیش از صد بار در قرآن به کار رفته است همچون: «البلاغ المبین»^(۴)، «قرآن مبین»^(۵)، «سلطاناً مبیناً»^(۶))
- ۵ - راههای باطل شرک و کفر متعدد است ولی راه حق، یکی بیشتر نیست. «الظلمات... النور» («ظلمات» جمع و «نور» مفرد است).
- ۶- هدف انبیا نجات بشر است. «رَسُولًا يَتْلُوا... لِيُخْرِجَ...»
- ۷- خارج کردن مردم از ظلمات، در اصل کار خداوند است، «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»^(۷) ولی این کار از طریق پیامبران انجام می‌شود. «رَسُولًا... لِيُخْرِجَ»
- ۸ - گرچه هدف انبیا خارج کردن تمام مردم از تاریکی‌ها به نور است، «لِيُخْرِجَ»

۱. حجر، ۹. ۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۷۵.
 ۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۳۴۰. ۴. مائده، ۹۲.
 ۵. حجر، ۱. ۶. نساء، ۹۱. ۷. بقره، ۲۵۷.

- الناس من الظلمات الى النور»^(۱) ولی این هدف تنها در مورد مؤمنین محقق می شود. «لیخرج الذین آمنوا... من الظلمات الى النور»
- ۹- انسان حتی بعد از ایمان و عمل صالح در ظلماتی به سر می برد که باید از آن خارج شود. «لیخرج الذین آمنوا... من الظلمات الى النور»
- ۱۰- ایمان و عمل، پیوسته قرین یکدیگرند. «یؤمن بالله و يعمل صالحاً»
- ۱۱- تشویق و تهدید باید متعادل باشد. «عذاباً نكراً... احسن الله له رزقاً»

﴿۱۲﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً

خدا است آن که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند آن ها (را) بیافرید). فرمان الهی میان آن ها نازل می شود تا بدانید که خداوند بر هر چیزی توانا است و علم او بر همه چیز احاطه دارد.

نکته ها:

- مراد از زمین های هفت گانه، یکی از چند امر است:^(۲)
 - الف) هفت کره آسمانی که از نظر ساختمان، شبیه زمین هستند.
 - ب) طبقات هفت گانه زمین که همچون لایه های پیاز رویهم قرار دارند.
 - ج) اقالیم هفت گانه زمین که دانشمندان جغرافیای قدیم، زمین را به هفت قسمت و قاره تقسیم می کردند.
 - در این آیه، آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آن ها برای آگاهی انسان به علم و قدرت الهی و معرفت و رشد توحیدی او مطرح شده است. «لتعلموا...»
- در آیه هفتم سوره هود نیز هدف از خلقت آسمان ها و زمین، آزمایش انسان دانسته شده

۲. تفسیر المیزان.

۱. ابراهیم، ۱.

است. ﴿و هو الذی خلق السموات و الارض فی سِتَّةِ اَیَّامٍ... لیبلوکم اَیَّکم احسن عملاً﴾
و در آیه ۱۱۹ همان سوره نیز رحمت الهی مبنای آفرینش انسان ذکر شده است. ﴿الاّ ما
رحم ربّی و لذلك خلقهم﴾
و آیه ۵۶ سوره ذاریات، هدف از خلقت انسان را عبادت خدا می‌داند. ﴿و ما خلقت الجن و
الانس الاّ لیعبدون﴾
از مجموع این آیات می‌توان چنین نتیجه گرفت که هدف از خلقت هستی و انسان، علم و
عمل و عبادت و دریافت رحمت الهی است.

پیام‌ها:

- ۱- مطمئن باشید که خداوند به وعده‌های خود وفا می‌کند، زیرا او چنان قدرتی
دارد که هستی را آفریده است. ﴿یدخله جنات، احسن الله له رزقا، الله الذی خلق﴾
- ۲- هستی دارای نوعی تعادل است. ﴿سبع سموات و من الارض مثلهن﴾
- ۳- هم آفرینش هستی به دست خداست و هم تدبیر امور آن. ﴿خلق... یتنزل الامر﴾
- ۴- امر الهی گاهی تشریعی است، ﴿عتت عن امر ربّها﴾^(۱) و گاهی تکوینی. ﴿یتنزل
الامر بینهن﴾
- ۵- هستی کلاس درس است. ﴿خلق... لتعلموا﴾
- ۶- کمال و رشد بشر، محور تمام آفریده‌هاست. ﴿لتعلموا﴾
- ۷- علم انسان به نحوه تدبیر نظام آفرینش، مورد توجه اسلام است. ﴿خلق سبع
سموات... یتنزل الامر... لتعلموا...﴾
- ۸- کسی که خالق و آفریننده است، می‌تواند به آفریده خود احاطه کامل داشته
باشد. ﴿خلق... احاط بکلّ شیء علماً﴾
- ۹- علم خدا به همه چیز، کامل و دقیق و بدون نقص است. ﴿احاط بکلّ شیء علماً﴾
«والحمد لله ربّ العالمین»